راه اینجاست!

چند سال قبل اینگونه نبود

فکر کنید، بگویید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار - با کم و زیادش - تأکید کردم راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگویید، این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشستتان، در فلان مجموعه دانشجویی‌تان کردید، فکری که کردید، ترجمه عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرایی درنیامد، شما مأیوس نشوید، نگویید پس کار ما بی‌فایده بود، خیر. من به شما عرض کنم در این ۱۵، ۱۶ سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده، همین جور امروز علم شده یک ارزش؛ چند سال قبل اینجوری نبوده. ما همین طور روز به‌روز هی پیش رفتیم.

۱۳۹۰/۷/۱۳

دانشگاه چه خبر

درخواست بسیج دانشجویی از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف در پی اتفاقات مربوط به مستند «من روحانی هستم» بیانیه‌ای منتشر کرد. بخش‌هایی از این بیانیه بدین شرح است: «... به شهادت تمام کسانی که این مستند را دیده‌اند نه تنها این مستند قصد تخریب شخصیت رئیس جمهور را ندارد، بلکه سعی کرده تا در برهه‌های مختلف، مواضع انقلابی ایشان را به تصویر بکشد... از جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی هم درخواست می‌کنیم تا هرچه سریع‌تر نسبت به شفاف‌نمایی اذهان در مورد خاطره مطرح شده در مستند و ابهامات طرح شده در این رابطه اقدام نمایند.»

هشدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی به وزارت علوم

بسیج اساتید دانشگاه شهید بهشتی ضمن محکوم کردن حضور محمد خاتمی در صحن این دانشگاه بیانیه‌ای صادر کرد. بخش‌هایی از این بیانیه بدین شرح است: «... ضمن محکوم نمودن حضور محمد خاتمی از اضلاع مثلث فتنه در صحن مقدس دانشگاه به مسئولان وزارت علوم و همچنین مدیریت دانشگاه شهید بهشتی(ره) هشدار می‌دهد که عرصه علمی این دانشگاه مقدس را جولانگاه اهداف پلید و فتنه‌انگیزانه ننمایند و ضمن عذرخواهی از دانشجویان و اساتید، اقدامات عملی در راستای جلوگیری از بروز مجدد این قبیل اقدامات را انجام دهند...»

سخنرانی یک فتنه‌گر در دانشگاه

گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه اصفهان در نظر دارد امروز سه‌شنبه، جلسه سخنرانی با عنوان «اخلاق متجددانه» با حضور مصطفی ملکیان در این دانشگاه برگزار کند. مصطفی ملکیان تاکنون مقاله‌هایی مخالف با برخی از چارچوب‌های دین در مجلات اصلاح و تجدیدنظرطلب منتشر کرده و همچنین نقشی فعال در جریان فتنه ۸۸ داشته است. به نظر می‌رسد فتنه‌گران با انتخاب دانشگاه‌ها به عنوان تریبون و همچنین استفاده از نفوذ خود در وزارت علوم، به دنبال پیگیری مواضع و تبلیغ افکار ضددین و ضدنظام خود در دانشگاه‌ها هستند.

هشدار بسیج دانشجویی به دانشگاه آزاد

رئیس سازمان بسیج دانشجویی گفت: در دولت جدید تقابل با نیروهای ارزشی در دانشگاه آزاد بسیار بیشتر شده است به طوری که در برخی از بخشنامه‌های معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد، ابلاغیه‌هایی خلاف قانون و علیه بسیج دانشجویی صادر شده است.

همچنین ودود حیدری افزود: درخواست بسیج دانشجویی از رئیس جمهور برای حضور وی در بسیج دانشجویی یا حضور دانشجویان بسیج در دفتر ایشان برای بررسی صحبت‌های رئیس جمهور در دانشگاه شهید بهشتی بود که تاکنون پاسخی از سوی روحانی دریافت نکرده‌ایم.

گزارش

علی محمدزاده*

مشکلات دانشجویان در نمایشگاه کتاب تکراری است

کتاب‌های گران و بن‌های ناکافی!

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اگر چه بیست‌وهفتمین سال برگزاری خود را پشت سر می‌گذارد، اما با مشکلات حل نشده بسیاری مواجه است؛ مشکلاتی که همه ساله در ایام نمایشگاه در فضای رسانه‌ای مطرح می‌شود و پس از آن به کلی فراموش شده و در نمایشگاه سال بعد دوباره تکرار می‌شود.

شاید عجیب به‌نظر بیاید اما اولین نقطه ضعف نمایشگاه کتاب تهران دقیقاً مسئله‌ای است که معمولاً به‌عنوان نقطه قوت نمایشگاه از آن یاد می‌شود. این مسئله چیزی نیست جز تعداد بسیار زیاد بازدیدکنندگان. طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایشگاه کتاب در سال گذشته حدود ۶میلیون نفر بازدیدکننده داشته است که برای نمایشگاه امسال نیز چنین بازدیدی پیش‌بینی می‌شود اما پرسش اینجاست که آیا تعداد بسیار زیاد بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب تهران، می‌تواند دلیلی بر کارنامه موفق متولیان امر کتاب و کتابخوانی در کشور باشد یا اینکه این امر خود گواه مشکلات حل نشده‌ای در حوزه کتاب است؟

با مروری بر آمار بازدیدکنندگان نمایشگاه، درخواهیم یافت که درصد بالایی از بازدیدکنندگان را شهرستانی‌ها تشکیل می‌دهند و در این میان تهرانی‌ها سهم کمتری دارند؛ به‌طوری که در نمایشگاه سال گذشته ۵۳/۶ از بازدیدکنندگان شهرستانی و ۴۶/۴ تهرانی بوده‌اند. در این زمینه باید گفت هزینه سفر به تهران برای یک دانشجوی شهرستانی ۱۰۰هزار تومان تمام می‌شود و معاونت‌های فرهنگی - اجتماعی دانشگاه‌ها اگرچه همه‌ساله بودجه‌ای برای اعزام دانشجویان به تهران در نظر می‌گیرند، اما این بودجه در حد و اندازه‌ای نیست که کفاف سفر تعداد بالای دانشجویان برای نمایشگاه را بدهد.

حال پرسش اینجاست که چنین آماری با وجود هزینه‌های بالای سفر به تهران و مشکلاتی از قبیل اسکان و... برای دانشگاهیان و کتابخوانان شهرستانی، چگونه قابل تحلیل است؟

پاسخ به این سؤال خیلی مشکل نیست. کافی است پرس‌وجوی مختصری از بازدیدکنندگان شهرستانی به عمل آوریم تا مشخص شود علت حضورشان در نمایشگاه کتاب تهران، پیش از هر چیز پیدا نشدن بسیاری از کتب در شهرستان‌هاست به‌طوری که تنها کتب پرفروش دانشگاهی و کنکوری در بسیاری از شهرستان‌ها یافت می‌شود و دانشجویان شهرستانی در زمینه سایر کتاب‌ها با محدودیت شدیدی مواجهند. بنابراین طبیعی است که اساتید و دانشجویان شهرستانی فرصت نمایشگاه کتاب تهران را غنیمت شمرده و با وجود هزینه‌های بالا و دردسرهای زیاد، هر طور شده خود را به نمایشگاه برسانند. نمایشگاه‌های کتاب استانی هم از کیفیت و کمیت قابل قبولی برخوردار نیستند و نمی‌توانند نیاز قشر دانشگاهی و کتابخوان شهرستانی را برطرف کنند. در صورتی که اگر وزارت فرهنگ به جای اکتفا نمودن به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاه‌های استانی ضعیف به تقویت شبکه‌های مویرگی توزیع کتاب در نقاط مختلف کشور پرداخته و چرخه توزیع کتاب را سروسامانی بدهد، دیگر نیاز به دست و پا شکستن برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران وجود نخواهد داشت.

عکس: جوان

مسئله دیگر، فروش اینترنتی کتاب است که می‌تواند عدم‌دسترسی مخاطب شهرستانی به کتاب مورد نیازش را جبران کند اما هزینه ارسال پستی کتب آنقدر بالاست که خرید و فروش اینترنتی کتاب عملاً مقرون به صرفه نیست. در حالی که باید با هدف کمک به شکل‌گیری شبکه توزیع کتاب در کشور، هزینه پستی ارسال کتاب برای سایت‌های فروش اینترنتی به حداقل برسد تا خلأ ناشی از عدم وجود شبکه‌های مویرگی توزیع کتاب در شهرستان‌ها جبران شود.

در ارتباط با گسترش کتابفروشی‌های باکیفیت در نقاط مختلف کشور، نکته قابل تأمل دیگری نیز وجود دارد و آن این است که اساساً برگزاری نمایشگاه کتاب با سبک و سیاق حاضر، خود نه تنها به تقویت شبکه‌های توزیع کتاب کمک نمی‌کند که مانعی بر سر راه آن ایجاد می‌نماید. توضیح اینکه نمایشگاه‌های کتابی که در حال حاضر در کشور برگزار می‌شود، بیش‌از آنکه کارکرد «نمایشگاهی» داشته باشد، کارکرد «فروشگاهی» دارد. این امر موجب می‌شود مخاطب بخش زیادی از نیازش را از نمایشگاه کتاب تأمین کند. در نتیجه این امر، کار کتابفروشی صرفه اقتصادی نخواهد داشت و بسیاری از شهرستان‌ها از کتابفروشی‌های خوب محروم خواهند ماند و حتی کتابفروشی‌های تهران نیز تضعیف خواهند شد. در حالی که این نکته را نباید فراموش کرد که کالای فرهنگی، از جمله کتاب، کالایی است که باید همیشه در دسترس باشد و مخاطب نمی‌تواند تمام نیاز خود به کتاب در طول یک سال را پیش‌بینی کند و همه آن را از نمایشگاه کتاب تأمین نماید. لذا برگزاری نمایشگاه به این سبک و سیاق، شبکه‌های توزیع را تضعیف خواهد کرد.

گذشته از موارد فوق، در مورد تعداد بالای بازدیدکنندگان، به نکته دیگری هم باید اشاره کرد و آن اینکه بسیاری از بازدیدکنندگان را دانشجویان و دانش‌آموزانی تشکیل می‌دهند که به قصد خرید کتب کمک درسی به نمایشگاه کتاب تهران آمده‌اند. طبق آمار منتشر شده، در نمایشگاه امسال حدود ۱۴۰ ناشر آموزشی شرکت کرده‌اند که همچون دوره‌های گذشته پیش‌بینی می‌شود سهم زیادی از آمار فروش کتاب را به خود اختصاص دهند. بنابراین در استفاده از آمار بازدیدکنندگان برای تحلیل میزان مطالعه و تمایل به کتاب در کشور، با در نظر گرفتن سهم کتاب‌های کمک آموزشی در آمار فروش کتاب و همین‌طور بازدیدکنندگان، باید با احتیاط بیشتری عمل کرد.

مسئله دیگری که در رابطه با نمایشگاه باید بدان پرداخت، خدمات نمایشگاه کتاب تهران برای بازدیدکنندگان است. یکی از این خدمات، در دسترس بودن اطلاعات کتب موجود در نمایشگاه و امکان جست‌وجوی آن از طریق سایت اینترنتی نمایشگاه کتاب است که خوشبختانه برای نمایشگاه امسال فراهم شده است و مخاطبان می‌توانند قبل از حضور در نمایشگاه، از طریق جست‌وجوی عنوان کتاب، غرفه ناشر مدنظر خود را پیدا کنند و نیازی به حضور در صف‌های طولانی جست‌وجوی کتاب در داخل نمایشگاه و اتلاف وقت و خستگی ناشی از آن وجود نخواهد داشت. البته خدمات ساده دیگری مانند سامانه‌های تخصصی کارشناسی مشاوره کتاب و معرفی کتب و نویسندگان به مخاطبان، به صورت دقیق و براساس نوع کتاب و مخاطب، در نمایشگاه امسال نیز همچنان نادیده گرفته شده‌است و بسیاری از بازدیدکنندگان که در صورت وجود چنین سامانه‌ای می‌توانند خرید هدف‌دار و مفیدی از نمایشگاه داشته باشند، عملاً وقت خود را به نمایشگاه‌گردی تفننی صرف می‌کنند و استفاده لازم را از نمایشگاه نخواهند برد.

از دیگر نکاتی که منجر به کیفیت پایین نمایشگاه کتاب تهران می‌شود، ضعف برنامه‌های جانبی نمایشگاه است. لازم به توضیح نیست که ۶ میلیون بازدیدکننده که بخش زیادی از آنان را دانشجویان و دانشگاهیان تشکیل می‌دهند، چه ظرفیت فرهنگی عظیمی ایجاد می‌کند که درصورت استفاده درست از آن می‌تواند تحولات مهمی در فضای فرهنگی کشور به وجود آید. در شرایطی که اغلب برنامه‌های جنبی نمایشگاه در میزگردها و سخنرانی‌های تکراری و خسته‌کننده، آن هم با حداقل کیفیت، خلاصه می‌شود، جای برنامه‌های فرهنگی جدی و هدفدار در زمینه ترویج حجاب و عفاف، ترویج فرهنگ مطالعه، آموزش اخلاق شهروندی، تقویت بنای خانواده و همین‌طور ویژه برنامه‌های دانشجویی در قالب‌های جذاب و متنوع خالی‌است در حالی که بازدیدکننده نمایشگاه نباید به حال خود رها شده و وقتش تنها صرف نمایشگاه‌گردی شود، بلکه باید با در نظر گرفتن برنامه‌های جذاب، کوله‌بار مخاطب را پر کرد و او را دست‌پر به خانه فرستاد.

در ادامه باید به مشکل اسکان دانشجویان شهرستانی هم اشاره کرد. وسعت نمایشگاه کتاب تهران و میزان قابل توجه خریدهای دانشجویان، موجب می‌شود دانشجویان شهرستانی نیازمند اسکان شبانه در تهران باشند و ادامه خرید را به روز بعد موکول کنند اما این امر همیشه یکی از نگرانی‌های دانشجویان را تشکیل می‌دهد به طوری که بسیاری از دانشجویان مجبورند بازدید خود از نمایشگاه کتاب را در یک روز خلاصه کنند و سختی‌های آن را به جان بخرند. اگر چه برای رفاه حال دانشجویان شهرستانی از سوی نمایشگاه کتاب تهران پنج سوله ۲۰۰ متری برای اسکان آنان در حرم امام خمینی(ره) در نظر گرفته است، اما محدودیت ظرفیت و ضعف امکانات مانعی بر سر راه اسکان مناسب دانشجویان است.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که مسئولان امر کتاب در کشور بیش از آنکه خود را ملزم به ارائه آمار از نمایشگاه کتاب تهران بدانند، لازم است فکری به حال افزایش هر چه بیشتر کیفیت نمایشگاه و به حال مشکلاتی که هر ساله تکرار می‌شوند، بنمایند.

***کارشناسی ارشد جامعه شناسی جوانان**

گزارش ۲

شهلا خزایی

تحصیل دختران در رشته‌های مردانه سرشار از تبعات است

علم‌آموزی برای دختران و زنان هر جامعه، امری ضروری محسوب می‌شود، چراکه مادران، پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده و منشأ رشد خانواده هستند و البته میزان اندوخته علمی آنها می‌تواند تا حد زیادی آینده‌ای با سطح سواد و فرهنگ بالا را برای جامعه تضمین کند. با یک نگاه مثبت می‌توان گفت امروزه در کشور ما، اکثر دختران از تحصیلات دانشگاهی برخوردارند و چیزی حدود ۶۰درصد آمار دانشجویی را به خود اختصاص داده‌اند، اما باید دید اشتغال دختران به تحصیل در همه رشته‌ها از چه میزان ضرورت برخوردار است؟

توجه به این نکته بسیار مهم است. به طور مثال: آیا برای دختران لازم است در رشته‌هایی که روحیه مردانه می‌طلبد، تحصیل کنند؟ آیا این امر به روحیه زنانه آنان آسیب نمی‌رساند؟ اگر بخواهیم از زاویه‌ای دیگر به بررسی تبعات تحصیل زنان در رشته‌های مردانه بپردازیم، باید دانست که در تمام جوامع، نیروی کار زن به مراتب از نیروی کار مرد ارزان‌تر است بنابراین کارفرمایان به استخدام نیروی ارزان‌تر مایل هستند. مثلاً اگر بخواهند یک تکنسین استخدام کنند، از بین دو گزینه (یکی مرد و دیگری زن) به دلیل حقوق کمتری که به زن می‌دهند، ترجیح می‌دهند نیروی زن را استخدام کنند؛ در نتیجه با تحصیل زنان در رشته‌های مردانه و جذب آنها در بازار کار، به مرور فرصت‌های شغلی برای مردان کمتر می‌شود. وقتی این فرصت از مردان گرفته شد، مردان برای کسب درآمد دچار مشکل می‌شوند و بالطبع نمی‌توانند ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند و این امر موجب بالا رفتن سن ازدواج و کم شدن فرصت‌های ازدواج برای دختران می‌شود.

پس می‌بینیم که این مسئله به صورت مستقیم روی زندگی خود دختران نیز تأثیر می‌گذارد. با بالا رفتن سن ازدواج، قابلیت باروری برای زنان کوتاه‌تر می‌شود و این یکی از عوامل تک‌فرزندی در بیشتر خانواده‌هاست و به تبع آن جامعه از نیروی جوان و تازه باز می‌ماند و با پیری نسل روبه‌رو می‌شود و به مرور زمان، نشاط و سرزندگی از کشور رخت برمی‌بندد.

حال بگذریم کودکانی که در خانواده‌های تک‌فرزند بزرگ می‌شوند، با چه مشکلاتی روبه‌رو خواهند شد. با این وجود، تحصیل زنان امر واجبی است، به شرط آنکه در انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خود تأمل بیشتری داشته باشند. مثلاً تحصیل تعدادی از زنان در رشته‌های مختلف پزشکی و علوم انسانی لازم است، زیرا جوامع اسلامی یا حتی غیراسلامی، به پرورش استعدادهای زن احتیاج دارند و تحصیل آنان در رشته‌های علوم انسانی، برای پروراندن خود و نسل آینده کشور، مقدمه‌ای بر رشد و پیشرفت جامعه است. دختران و زنانی که وارد رشته‌های فنی و مغایر با روحیه حساس خود می‌شوند، به مرور زمان سختی کار بر سختی افکار آنها اثر می‌گذارد و تک بعدی شدن آنها در صورت عدم‌توجه به سایر ابعاد زندگی، موجبات تغییر معیارها و ذائقه منحصر به فرد آنان را فراهم می‌آورد.

نکته حائز اهمیت دیگر در این زمینه، پدیده دختران تحصیلکرده مجرد است، زیرا اکثر قریب به اتفاق دخترانی که مدارج بالای تحصیلی را طی می‌کنند، برای ازدواج به دنبال مردی هستند که از نظر سطح سواد هم رده خودشان باشد و با توجه به تعداد نامساوی دختران و پسران تحصیلکرده، عده زیادی از این دختران تا سنین بالا تن به ازدواج نمی‌دهند و در نتیجه کشور با مشکلات ذکر شده روبه‌رو می‌شود.

انتظار آن می‌رود که دختران با علم به نیازهای جامعه، توانایی‌های خود و توجه به کرامت شخصیتی‌شان، برای انتخاب رشته تحصیلی و کسب درآمد در آینده به مسائل جانبی مهم نیز بیندیشند. گزینش معیارهای مناسب برای ازدواج، آمادگی برای پرورش فرزندان و ایجاد زمینه‌های رشد فردی در جهت منافع جمعی خانواده و جامعه، می‌تواند از اساسی‌ترین وظایف این گروه باشد که دانشگاه و تحصیلات تکمیلی یکی از روش‌های کسب اطلاعات و آماده‌سازی ذهنی برای زنان است.

در اینجا باید خاطرنشان کرد نکته‌ای که دختران و پسران جوان کمتر به آن فکر می‌کنند و گاهی از آن گریزانند؛ تحصیل بعد از ازدواج است، در حالی که همین راهکار هم می‌تواند به بالابردن سطح سواد جامعه کمک کند و هم بسیاری از مشکلاتی را که به آنها پرداختیم، برطرف نماید. تحصیل بعد از ازدواج، به شرط حفظ تعادل در روابط همسران، مدیریت امور یک زندگی شایسته و منافات نداشتن اوقات مفید طرفین برای درس و با هم بودن، قابلیت رشد و تکامل دونفره را به همراه دارد. البته هر دو نفر زن و مرد باید قدرت تصمیم‌گیری در جهت انتخاب اولویت‌های قبل و بعد از ازدواج‌شان را داشته باشند، در غیر این صورت تزاحم افکار و آرمان‌ها شکل می‌گیرد و موجب از هم‌گسیختگی زندگی مشترک می‌شود.

تیتر خبر

- شهریه دانشگاه‌های غیردولتی در سال تحصیلی آینده بین ۲۰ تا ۲۵درصد افزایش می‌یابد.
- جنبش عدالتخواه دانشجویی: عدم‌معرفی محکومان مفاسد اقتصادی از سوی قوه‌قضائیه حاشیه امنی برای این مجرمان فراهم کرده است.
- عارف درصدد راه‌اندازی دانشگاه غیرانتفاعی «خوارزمی».
- بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت: دانشجویان در صورت تکرار حضور سران‌فتنه در دانشگاه برخورد انقلابی می‌کنند.
- مستند هسته‌ای «گام نهایی» امروز سه‌شنبه در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران رونمایی می‌شود.
- سهم تولید علم ایران در سال ۹۲ از کل تولید علم جهان ۱/۵درصد بوده است.
- خرید ۲۰۰ میلیاردی از نمایشگاه تجهیزات آزمایشگاهی ساخت ایران.
- رئیس سازمان بسیج دانشجویی: در برخی از بخشنامه‌های معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد، ابلاغیه‌هایی خلاف قانون و علیه بسیج دانشجویی صادر شده است.
- محققان دانشگاه شریف مشکل ترمز مترو را حل کردند.
- نامه ۱۲ هزار نفری دانشجویان به ضرغامی بابت دادن تریبون به منتقدان توافقنامه ژنو.
- توفیقی: رئیس دانشگاه تهران را در نهایت وزیر علوم انتخاب می‌کند.

زندگی دانشجویی

منش دکتر شهریاری

یک مقطعی احساس کردیم بین اساتید تضادها و دسته‌بندی‌هایی وجود دارد. معمولاً چنین گروه‌بندی‌هایی در دانشکده های مختلف وجود دارد؛ اما احساس کردیم این تیپ اساتید را در دانشکده زیاد تحویل نمی گیرند. دکتر شهریاری و دوستانش می‌خواستند دانشکده فیزیک تبدیل به دانشکده مهندسی هسته‌ای شود، اما جبهه مقابلشان در برابر این کار مقاومت می‌کرد. طیف دکتر شهریاری و دوستانش حزب‌اللهی بودند. طرف مقابلشان هم در ظاهر مذهبی بود؛ اما به راحتی درباره دیگران حرف و تهمت می زدند. اما دکتر شهریاری و دوستانش حتی اجازه نمی دادند سر کلاس‌هایشان از اختلافات صحبت کنیم. منش و اخلاقشان این بود.

دخترانه

ساعت ۹ شب، زیر برف

عادله موسی‌نژاد

از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم، برف‌ریزی که از صبح شروع به باریدن کرده بود سنگین شده است. از شنبه‌ها متنفرم! از شش صبح تا هفت شب پشت سر هم کلاس دارم. برای بار دهم نگاهی به ساعتم می‌اندازم و بی‌صبرانه پایان کلاس را به انتظار می‌نشینم. استاد خسته نباشید را که می‌گوید بلند می‌شوم و به سرعت از در دانشکده می‌زنم بیرون. باید خیلی مواظب باشم که سر نخورم، برف زیادی انباشته شده. هر چند فکر نمی‌کنم که دیگر به سرویس برسم اما تند و با احتیاط به راه می‌افتم. نزدیک ایستگاه که می‌رسم آخرین سرویس را می‌بینم که در پیچ خیابان گم می‌شود. آخ خ خ خ... دوباره طبق معمول شنبه‌ها جا ماندم! باز هم مجبورم با خط بیرون خودم را به خوابگاه برسانم. به سختی سر بالایی دانشکده را طی می‌کنم و به سمت سر در دانشگاه می‌روم. از دور بچه‌ها را می‌بینم که گروه گروه منتظر تاکسی ایستاده‌اند. من هم به جمعشان می‌پیوندم.

نیم ساعتی می‌گذرد اما هیچ اتوبوسی از جلوی دانشگاه رد نمی‌شود. دیگر هوا کاملاً تاریک شده، به ناچار جلوتر می‌روم تا شاید تاکسی بگیرم اما تعداد بچه‌ها خیلی زیاد است. یک ساعت دیگر هم می‌گذرد و من همچنان همانجا زیر برف مانده‌ام! تقریباً همه رفته‌اند و به ندرت کسی از دانشگاه بیرون می‌آید. آنها هم که تا حالا مانده‌اند یا خودشان ماشین دارند یا منتظر کسی هستند که بیاید دنبالشان.

ورودی خوابگاه فقط تا ساعت ۹ است و من هنوز نمی‌دانم این وقت شب چطور باید خودم را به موقع برسانم. در همین فکرها هستم که صدایی به گوشم می‌خورد: ببخشید خانم، شما خیلی وقته اینجا وایستادین؟ خوشحال می‌شوم که دیگر تنها نیستم: آره، ولی کسی نگه نمی‌داره! چند دقیقه‌ای که می‌گذرد یک پرادو مشکی جلویمان توقف می‌کند. پیش خودم احتمال می‌دهم که آشنای دخترک باشد. اما مرد شیشه را پایین می‌آورد و با نگاهی خریدارانه و لبخندی بر لب رو به او می‌گوید: سرما نخوری، برسونمت خانم. دخترک هم به چشم‌های مرد خیره می‌شود و در پاسخ او که حالا در جلو را هم باز کرده لبخند می‌زند: مسیرم پارک ویه...

من در حالی که گیج شده‌ام نگاهم بی‌اختیار به پالتو قرمز، موهای خوشرنگ و آرایش غلیظ دختر خیره می‌ماند. ماشین که در برف محو می‌شود تازه به خودم می‌آیم. دیگر سوزش دست‌هایم را احساس نمی‌کنم! چیزی در عمق چشم‌هایم می‌جوشد. لبخند می‌زنم و برف را از چادرم می‌تکانم.